

از نامهٔ یدالله بهزاد - کرمانشاه

شمارهٔ نخست سال جدید آینده رسید. بهتر و آراسته‌تر از شماره‌های سال پیش که جای شکر است و سپاس. امیدوارم آینده را که روزی در صورت و معنی چشم و چراغ مطبوعات فارسی بود به روزی نیندازند که از بسیاری اغلاط و آشفتگی مطالب جان خوانند را به لب برساند...

آینده - یادآوری شاعر استاد موجب شادمانی است و امیدواریم همکاران آینده به این توفیق برسند که مجله‌کم غلط بشود. خوانندگان هم امیدوارند که از شعرهای خوب و ناب بهزاد بهره‌ور شوند.

شاعر غم

در یک عبارت توصیف کامل شعرهایم را آوردید [اگرچه با لحن متعترض] و شاهکار شما در این نقدالشعر عجیب این بود که غم را در گیومه آوردید، «غم» که این خود حرفها با اهل راز دارد.

اما یک غلط چاپی فاحش در همین باصطلاح نمونه‌هایی که آمده، دیده میشود که دیوانه‌ام کرده. بجای «بی»، «بود» چاپ شده در مصرعی که صحیحش اینست: « در تو پرواز بی هراسی نیست »

آیا می‌دانید این اغلاط چاپی با صاحبان شعر و نوشته بخصوص شعر (که پای وزن در میان است) چه می‌کند؟؟ مردانگی کنید و این غلط چاپی را تذکر بدهید. مرا برای یک بار هم شده خوشحال کنید.

دکتر یوسف ایزدی

در بارهٔ مشارالملك

اخیراً دو جلد کتاب بدستم رسید یکی بنام سیمای احمد شاه قاجار تألیف آقای شیخ‌الاسلامی و دیگری بنام «زندگی طوفانی» [از تقی‌زاده] * که به کوشش شما به چاپ رسیده است.

در صفحهٔ ۳۱ کتاب سیمای احمد شاه قاجار روایت از قول مرحوم مهندس محسن فروغی پسر ذکاءالملک نقل شده مبنی بر اینکه بهنگام وزارت مالیه ذکاءالملک با محسن فروغی صحبت کرد و پیغام داد که وی به پدرش بگوید که حقوق احمد شاه را زودتر بپردازند. این روایت بهیچوجه صحیح نیست، زیرا احمدشاه چند روز پس از صدور

* عبارات داخل [] از مجله است به جای آنچه نویسنده بر قلم آورده است

زیرا مجله از آوردن کلمات توهین آمیز و به طعنه آمیخته ابا دارد (آینده)

فرمان ریاست وزرانی سردار سپه (آبان ۱۳۰۲ هجری شمسی) برای همیشه ایران را ترک گفت و ذکاالملک در شهریور ۱۳۰۳ بعنوان وزیر مالیه کابینه سردار سپه شروع بکار کرد و در این ایام احمد شاه در اروپا بود. حتماً آقای شیخ الاسلامی در جلد دوم کتاب مزبور در این اشتباه را باید تصحیح نمایند.

در صفحه ۳۳۵ این کتاب مطلبی راجع به انتخابات دوره چهارم سیرجان کرمان و انتخاب مرحوم مشارالملک بچاپ رسیده است. باید باطلاع برسانم که مرحوم عبدالله مستوفی بعلت آنکه مرحوم مشارالملک او را بیبازی نمی گرفت کینه و عداوت خاصی با مرحوم مشارالملک داشت. وقتی مرحوم مشارالملک وزیر مالیه شد بلافاصله او را از کار برکنار می کرد و ایشان تا توانسته است در کتاب خود به بدگویی پرداخته... در کتابی که در باره تاریخ معاصر ایران در دست تألیف دارم - نامه های مرحوم عبدالله مستوفی که به مرحوم مشارالملک نوشته و چاپلوسی کرده است عیناً گراور خواهد شد.

مرحوم مشارالملک بلافاصله پس از آنکه متوجه شد که قرار است مذاکراتی در زمینه قرارداد ۱۹۱۹ با دولت انگلیس انجام شود از وزارت مالیه استعفا کرد. در کتاب خود نامه مرحوم وثوق الدوله که به مرحوم مشارالملک در همین زمینه نوشته است عیناً گراور خواهد شد.

اما در مورد کتاب "زندگی طوفانی" بایستی باطلاع برسانم که حاجی حسین ملک چند پارچه املاک مزروعی در چناران مشهد داشت که بابت این املاک مبالغی بعنوان مالیات به وزارت مالیه بدهکار بود. مشارالملک وزیر مالیه کابینه مصمصام السلطنه در سال ۱۳۳۶ هجری قمری مالیات معوقه مزبور را با فشار از حاجی حسین ملک وصول کرد و نامبرده از آن تاریخ کینه مشارالملک را به دل گرفت و در هر فرصتی از هر گونه بدگویی و اهانت کوتاهی نمی کرد.

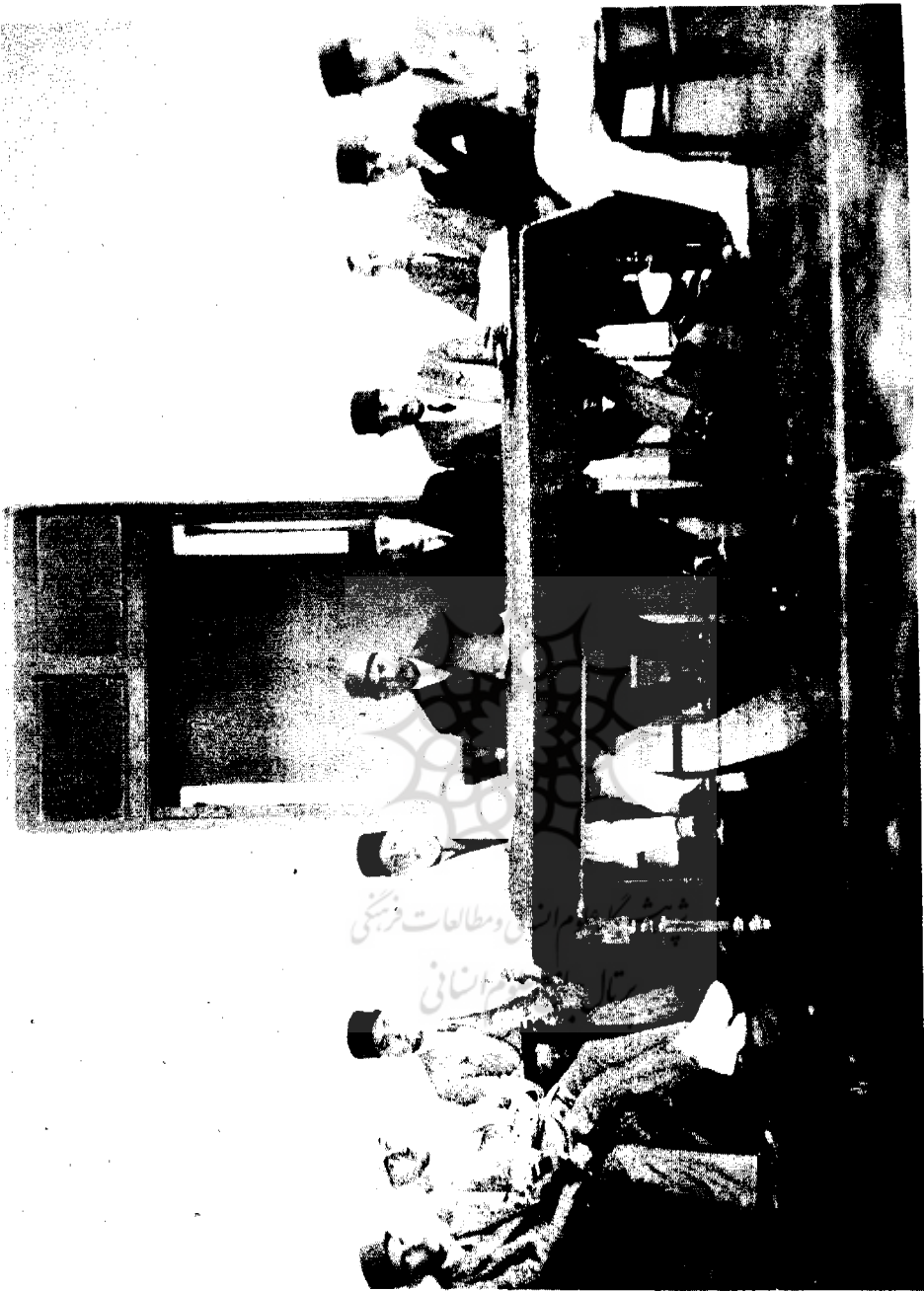
از مرحوم تقی زاده متعجب هستم که [آن مطالب] را در خاطرات خود آورده است. مرحوم مشارالملک چند پارچه ملک در مازندران داشت که شاه به طمع تصرف آنها افتاده بود.... و بالاخره برای ایشان پرونده ساختند که قصد دارد بر ضد [شاه] توطئه کند. مشارالملک را در سال ۱۳۱۴ به زندان قصر انداختند و چند ماهی در زندان بود تا آنکه املاک منتقل شد و در این فاصله ایشان را در اداره محاکمات قشون محاکمه کردند و محکوم به اعدام شد و چون املاک را به نام او منتقل کرده بودند در فروردین ۱۳۱۵ به امیر موثق نخجوان و سرپاس مختاری دستور داد مشارالملک را از زندان آزاد کردند. مرحوم مشار در سال ۱۳۱۶ ایران را ترک کرد. حالا چرا [تقی زاده] که از تمام

این ماجرا مطلع بود می گوید که املاک [شاه] را مرحوم مشار درست کرد خدا داند و پس در مورد تأسیس بانک کشاورزی. پس از انحلال بانک استقراضی بروی سرمایه این بانک و مطالبات آن از اشخاص در اختیار اداره‌ای قرار گرفت که آن را بانک ایران نامیدند و یکی از ادارات تابعه وزارت مالیه بود و سرپرستی بانک بعهده مرحوم مشارالملک بود. بعد قرار شد که با سرمایه این بانک و وصول مطالبات بانک از اشخاص مختلف بانک فلاحتی ایران را تأسیس نمایند. یکی از اشخاصی که مبالغی باین بانک بدهکار بود همین حاجی حسین ملک بود. مرحوم مشارالملک با فشار و قدرتی که داشت بدهی این شخص را وصول کرد. بالاخره مرحوم مشار بانک فلاحتی را تأسیس کرد و بر خلاف گفته [تقی‌زاده] ریاست بانک بعهده ابتهاج السلطان محوی شد و قاسم خان صوراسرافیل عضو شورایعالی بانک بود عکسی از شورایعالی بانک فلاحتی در دست است که در کتاب من گراور خواهد شد و در این عکس مخررالسلطنه هدایت - مشارالملک - داور - قاسم خان صوراسرافیل [تقی‌زاده] - میرزا حسین خان ناصر - و ابتهاج السلطان محوی دیده می‌شوند.

در مورد مطالب صفحه ۳۴۶ [زندگی طوفانی] یادداشت اعتراضیه سفارت انگلیس توسط شخص مرحوم مشارالملک وزیر امور خارجه و بدون اطلاع ذکاالملک از استرداد یادداشت سفارت فوق‌العاده ترسیده بود. کتاب سفرنامه خوزستان سردار سپه به قلم دبیر اعظم بهرامی موجود است و نیازی به مطالب [تقی‌زاده] نیست. بر خلاف نوشته [تقی‌زاده] قشون عظیمی هم در کار نبود. دولت انگلیس به شیخ خزعل گفته بود خودش به زبان خوش بساطش را جمع کند و تسلیم بشود.

در ۲۸ آذر ۱۳۰۴ هم مرحوم مشارالملک تنها کاندیدای ریاست وزرا بوده ولی در اثر فشار روس‌ها و دکتر میلیسپو آمریکائی ذکاالملک فروغی به ریاست وزرا رسید.^۱ در گزارش سال ۱۹۲۵ سرپرسی لورن وزیر مختار انگلیس به چمبرلن وزیر خارجه (در مجموعه اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا) به تفصیل در این باب صحبت شده. سرپرسی لورن وزیر مختار انگلیس ذکاالملک فروغی (سال ۱۹۲۵) را یک ادیب میدانند و تصریح می‌کند که فروغی از نظر سیاسی بی اهمیت است و فقط یک ماشین امضاء است. این گزارش بسیار مفصل و جامع است و من در کتاب خودم از آن بسیار

۱- اینجا این سوال پیش می‌آید که اگر مشارالملک مورد عنایت رضاشاه نمی‌نمود چگونه در آغاز سلطنت رضاشاه می‌خواست او را به ریاست وزرای برکشد. (آینده)



چون درنامه آقای مشاد ذکر عکسی شده است که مربوط به بانک فلاحتی است آن را از روی
نسخه‌ای که در اوراق تقی‌زاده یافتیم چاپ می‌کنیم: راست به چپ: ۴) قاسم صورت - ۵) علی اکبر
داور - ۶) حسین مشاد - ۷) محمد اسباطی - ۸) تقی زاده

استفاده کرده‌ام. مسخره کردن و فحش دادن نمی‌تواند کار قابل عرضه‌ای برای مورخ باشد.^۲

از مرحوم پدرم (خانبابا مشار)^۳ که اطلاعات جامع و مفیدی در زمینه تاریخ معاصر در اختیارم گذاشت در کتاب خودم استفاده شایانی برده‌ام. روانش شاد. از این نامه قصدم دفاعیه نیست فقط گوشه‌هایی از تاریخ معاصر ایران را برای شما نوشتم. چون پدرم مرحوم خانبابا مشار به شما خیلی علاقه داشت من هم به شما و مجله آینده علاقه‌مند هستم.

علی مشار

۲- به متابعت از همین عبارت این نامه هم پیراسته شد (آینده)

۳- آن مرحوم حق بزرگی بر تاریخ کتابشناسی و ادبیات ایران دارد. (آینده)

وضع ترجمه در زبان فارسی

در بخش دوم مقاله «نگاهی به وضع ترجمه در زبان فارسی» اغلاط و از قلم افتادگی‌هایی رخ داده است که به شرح زیر تصحیح و اصلاح می‌شود:

ص ۱۱۵ سطر ۱۱ بجای لایقتر، دقیقتر- همان صفحه سطر ۲۳ بجای زمان، زمان-
ص ۱۱۶ سه سطر اول چنین اصلاح شود: این مثل مشهور علم اقتصاد که پول بد پول خوب را از رواج می‌اندازد در مورد کتاب مصداق معکوس دارد الخ - همان صفحه سطر ۶ چنین اصلاح شود: ...، و در تأیید نظرشان آمار بین المللی را گواه می‌آورند که طبق آن در ممالک پیشرفته شمار سالانه عناوین کتب تازه چاپ از تألیف و تصنیف الخ -

ص ۱۱۷ سطر ۴ جز به تنگ نظری، به حذف شود- همان صفحه سطر ۲۸ به جای لامحال، لامحاله- ص ۱۱۶ سطر ۵ به جای کامل، کاهل- ص ۱۱۸ سطر ۱۵ بجای شخصیتشان، شاخصیتشان- همان صفحه سطر ۱۷ بجای مسیر، سیر- ص ۱۱۹ سطر ۲۲ بجای میترال، میسترال- ص ۱۲۰ سطر ۲۲ چنین اصلاح شود: ... و تکامل تأثیر قطعی خواهند داشت و چون هدف از ترجمه آنها روشنگری و بیداری اذهان است لذا تحمیل مسلک و مکتب فکری خاصی را وجهه نظر قرار ندهند الخ - ص ۱۲۱ سطر ۴ پس از (و همچنین ترجمه) آثار اضافه شود- ص ۱۲۲ انتهای سطر ۱۲، و زیادی است- ص ۱۲۳ انتهای سطر ۸، را، زیادی است- ص ۱۲۴ سطر ۸ که زبان، که زیادی است- ص ۱۲۴ سطر ۱۶ به جای نپرداخته‌اند، پرداخته‌اند صحیح است.